

## الزامات اقتصاد مقاومتی از منظر کتاب و سنت<sup>۱</sup>

سید علی اصغر نظریپور<sup>۲</sup>

### چکیده

اقتصاد مقاومتی، اندیشه‌ای نو و خلاقانه است که در نهایت منجر به رشد و توسعه اقتصادی جامعه می‌شود. در صورت تبیین درست این الگوی اقتصادی و بهره‌گیری از مبانی دینی در چیدمان آن، می‌توان رشد اقتصادی سریع‌تری برای جامعه رقم زد. هدف این تحقیق، ارائه راه کارهای اجرایی کردن اقتصاد مقاومتی از منظر آیات و روایات است. در بررسی گزاره‌های قرآنی و حدیثی روشن شد که مفاهیم آن‌ها در سه محور تولید، توزیع و مصرف قابل ارائه است.

**کلیدواژه‌ها:** اقتصاد مقاومتی، الگوی مصرف، مفاسد اقتصادی، تولید، معارف قرآن و حدیث.

---

۱. این نگاشته، همسو با فعالیت‌های علمی واحد "علوم" در مرکز تخصصی حدیث، منتشر می‌شود.  
۲. فارغ التحصیل کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق دانشگاه پیام نور قم. [alisghar.nazarpour@yahoo.com](mailto:alisghar.nazarpour@yahoo.com)

## مقدمه

«اقتصاد مقاومتی» تدبیری است که مسئولان هر جامعه‌ای برای بهبود وضع اقتصادی جامعه و رفع نابسامانی‌های اقتصادی آن اتخاذ می‌کنند. این نوع اقتصاد، ایده‌ای نو جهت مقابله با تهدیدها و تحریم‌هاست که در مواقع ضروری یا در زمانی که جامعه بخواهد راه پیشرفت و خودکفایی را بییماید، به کارگرفته می‌شود. از مهم‌ترین زمینه‌های شکل‌گیری اقتصاد مقاومتی، مواردی چون: وابستگی به نفت، ورود کالاهای مصرفی به کشور، تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی است.

هدف این تحقیق، ارائه راه‌کارها و الزامات دینی اقتصاد مقاومتی است تا مسئولان اداره جامعه بتوانند براساس این تعالیم، اقتصادی خودکفا و مستقل را برای جامعه رقم بزنند. مهم‌ترین سؤال تحقیق حاضر این است که دین اسلام در سه گستره تولید، توزیع و مصرف، چه راه‌کارهایی برای رسیدن به اقتصاد مقاومتی و در نهایت، اقتصادی مستقل ارائه کرده است؟ با توجه به این پرسش، الزامات اقتصاد مقاومتی در این سه گستره، از منظر آیات و روایات بررسی شده و در هر بخش، نمونه‌ای از آیات یا روایات یادآوری شده است.

## ضرورت اقتصاد مقاومتی

نظام سرمایه‌داری غرب عمدتاً در اختیار یهودیان است، چراکه آن‌ها ثروتمندترین و حریص‌ترین افراد به مال هستند؛ همان‌گونه که خداوند فرموده:

«وَلْتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاةٍ»<sup>۱</sup>؛

و بر همه آشکار است که قوم یهود به زندگانی مادی، حریص‌تر از همه مردم است.

و در جای دیگر می‌فرماید:

«وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ»<sup>۲</sup>؛

یهودیان و مسیحیان هرگز از ما راضی نخواهند شد، مگر این که از آن‌ها پیروی کنیم.

لذا تمام تلاش غرب و دشمنان ما بر این است که با فشارهای اقتصادی و تحریم‌ها، سدّ

۱. بقره، ۹۶.

۲. بقره، ۱۲۰.

راه پیشرفت کشور شوند و از راه اقتصاد به ما ضربه بزنند، چراکه اقتصاد یکی از ستون‌های شکل دهنده و حفظ‌کنندهٔ بدنهٔ جامعه هر کشوری است. در واقع، اقتصاد مقاومتی که طرحی نوست، راه کار مبارزه با این فشارها و تحریم‌هاست تا بتوانیم با این الگو، تهدیدها را به فرصت تبدیل کنیم.

هر جامعه‌ای جهت رسیدن به خودکفایی، باید راه کارهایی را سرلوحهٔ خود قرار دهد و از برنامه‌ای مشخص و مدون در این راه پیروی کند، وگرنه در حرکت خود به سمت پیشرفت، با موانع بسیاری روبه‌رو خواهد شد. از آن جایی که اقتصاد کشور ما وابستگی زیادی به نفت و گاز دارد، اگر بخواهد از این وابستگی رها شود، ناچار است اقتصاد خود را در بقیهٔ زمینه‌ها شکوفا کند تا زیر سلطهٔ دیگران نبوده و به خود متکی باشد؛ چنان که امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «احتج الی من شئت تکن اسیره»<sup>۱</sup>؛ محتاج هر کس شوی، اسیر او خواهی بود. ایشان در جای دیگر فرمودند:

مادامی که این امت، لباس بیگانه نپوشند و از غذای آنان استفاده نکنند، در خیر خواهند بود؛ و هنگامی که چنین کنند، خداوند آنان را ذلیل خواهد کرد.<sup>۲</sup>

بر اساس روایت مزبور، اگر ورود کالای بیگانه را به کشور مجاز بدانیم، فرهنگ بیگانه بر عرصه‌های تولید، توزیع و مصرف، اثر منفی می‌گذارد و در نهایت، موجب ذلت جامعهٔ اسلامی می‌شود؛ لذا با توجه به روایات و تعالیم دینی در زمینهٔ اقتصاد مستقل، مسئولان کشور باید بیشتر به بحث اقتصاد مقاومتی توجه کنند و رهبر معظم انقلاب بارها به این نکته اشاره کردند. البته باید گفت جهت رسیدن به خودکفایی، توجه به تعالیم اسلام در همهٔ زمان‌ها و مکان‌ها ضروری است، و خداوند این تعالیم را برای همهٔ عصرها وضع کرده است، نه این که در این زمان که فشارها و تحریم‌ها زیاد شده‌اند، سراغ این تعالیم برویم و در صدد عملی کردن آن‌ها برآییم.

### ۱. تولید

تولید، نقشی اساسی در رشد جامعه دارد، چراکه اگر تولید نباشد، انسان مجبور است دست نیاز به سوی دیگران دراز کند. به بیانی دیگر، در صورتی که تولید در جامعه

۱. مجموعه آثار، ج ۲۰، ص ۴۰۵.

۲. بازار، ج ۷، ص ۵۴۲.

صورت نگیرد، بیکاری و فقر روند رو به رشدی خواهند داشت. در ادامه، به مباحثی دربارهٔ تولید می پردازیم.

### الف) بهره‌گیری از مواهب طبیعی

از جمله مواردی که در تولید نقش اساسی دارد، استفاده از مواهب طبیعی همچون آب و خاک است. آنچه از آیات و روایات دریافت می‌شود این است که خداوند زمین و هر آنچه در آن است را برای ما خلق کرده است: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مِمَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا»<sup>۱</sup>. در بعضی تفاسیر آمده است: خدا زمین را به صورتی خلق کرده است که ما بتوانیم آن را به خدمت بگیریم؛ موادّ کانی را در کوه‌ها آفریده و قدرت استخراج و بدل کردن آن‌ها به آلات و ادواتی برای راحت‌تر زندگی کردن را به ما بخشید. منابع آب، نفت و زغال سنگ، و معادن طلا و مس را در باطن زمین آفرید و به ما توانایی چگونه به خدمت گرفتن آن‌ها را عطا کرد.<sup>۲</sup>

امام علی علیه‌السلام در تفسیر آیهٔ مزبور می‌فرمایند: «ای بنی‌آدم! هر آنچه در زمین است، خداوند آن را برای مصالح شما خلق کرده است.»<sup>۳</sup> هم‌چنین در خطبهٔ ۱۴۳ نهج‌البلاغه می‌فرمایند: «زمین و آسمان به منافع شما مأمور شدند و اوامر خدا را اطاعت کردند؛ به آن‌ها دستور داده شد که برای مصالح شما قیام کنند و چنین کردند.»<sup>۴</sup> ایشان در حدیث دیگری می‌فرمایند:

ضرورت آباد کردن زمین، این سخن خداست: «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا»<sup>۵</sup>. او شما را از زمین آفرید و خواست تا آن را آباد کنید؛ بدین گونه خداوند به ما خبر داد که مردمان را به آباد کردن زمین دستور داده است تا سبب فراهم آمدن وسایل معیشت آنان باشد؛ یعنی با چیزهایی که از زمین به دست می‌آید، مانند حبوبات و میوه‌ها، که خدا آن‌ها را مایهٔ معیشت قرار داده است.<sup>۶</sup>

بهره‌مند شدن از فضل الهی به سبب خیرکثیر داشتن آن، سبب می‌شود تا کاستی‌ها

۱. بقره، ۲۹.

۲. تفسیر هدایت، ج ۱، ص ۱۳۲.

۳. نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۷.

۴. نهج‌البلاغه، ص ۱۸۷.

۵. هود، ۶۱.

۶. الحیة، ج ۵، ص ۳۹۴.

جبران و شرایط ایده‌آل رفاه فردی و اجتماعی فراهم گردد. این فضل الهی در سرتاسر منابع طبیعی، از جمله زمین موجود بوده و خداوند ما را به بهره‌گیری از این منابع فراخوانده است. آیت‌الله جوادی آملی در این باره می‌فرماید:

قرآن کریم گاهی با بیان «وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ»<sup>۱</sup> و زمانی با عبارت «فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا»<sup>۲</sup>، انسان را به بهره‌گیری از منابع طبیعی فراخوانده، می‌فرماید: روی دوش زمین راه بروید و روزی بگیرید! خداوند قبل از خلقت انسان، همه نعمت‌های لازم جهت زندگی را آفرید؛ یعنی زمین و زمینه را برای زندگی بشر فراهم کرد، آن‌گاه بشر را در روی زمین خلق کرد.<sup>۳</sup>

علاوه بر این که زمین برای ما آفریده شده، آب‌ها نیز در تسخیر ما قرار داده شده است: «وَسَخَّرَ لَكُمْ الْأَنْهَارَ»<sup>۴</sup>؛ نهرها را در تسخیر شما درآورد. در تفسیر این آیه آمده است:

خدا نهرها را در تسخیر شما درآورده تا از آب حیات بخش آن‌ها زراعت‌هایتان را آبیاری کنید، و هم خود و دام‌هایتان سیراب شوید و در بسیاری اوقات آن‌ها را مورد بهره‌برداری قرار داده و هم از ماهیان و حتی صدف‌هایی که در اعماقشان موجود است، بهره‌گیری کنید.<sup>۵</sup>

و آیات دیگری که بیان‌گر قرار دادن معیشت انسان در زمین<sup>۶</sup>، رویانیدن گیاه در زمین<sup>۷</sup>، فرستادن آب از آسمان برای نوشیدن<sup>۸</sup>، رویانیدن درختان میوه و خرما و انگور<sup>۹</sup> و فواید دریاها<sup>۱۰</sup> هستند.

مطابق آیات و روایات مذکور، خداوند تمام شرایط و مواد اولیه زندگی انسان را برای او به وجود آورد تا بتواند با کار و تلاش، به خواسته‌های خود دست یابد؛ بنابراین انسان‌ها باید با برنامه‌ریزی صحیح، بیشتر و بهتر از این مواهب طبیعی استفاده کنند، همان‌گونه که امام

۱. جمعه، ۱۰.

۲. ملک، ۱۵.

۳. اسلام و محیط زیست، ص ۲۹.

۴. ابراهیم، ۳۲.

۵. تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۴۰۰.

۶. حجر، ۲۰.

۷. حجر، ۱۹.

۸. نحل، ۱۰.

۹. نحل، ۱۱.

۱۰. فاطر، ۱۲.

علی (ع) فرمودند: «زمین و آسمان به سودتان فرمان یافته‌اند و در چارچوب سودمندی تان افزایش یافته‌اند.»<sup>۱</sup>

### ب) تولید نیازهای اساسی کشور

گرچه همه فعالیت‌های مفید اقتصادی، از جمله صنعت، تجارت و خدمات در رشد اقتصادی جامعه مفیدند، ولی نیازهایی در کشور وجود دارد که اهمیت بیشتری دارند؛ از این رو، سیاست‌گذاران اقتصادی کشور باید به تولید این نیازهای اساسی بپردازند، تا زمینه رشد اقتصادی را سریع‌تر فراهم کنند.

در روایتی از زندگانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است که ایشان به سبب خاک حاصل خیز و آب و هوای مساعد مدینه، به قریشیان فرمودند:

ای جماعت قریش! شما دامپروری را بیشتر دوست دارید؛ از آن بکاهید! در سرزمینی قرار گرفته‌اید که باران کمتری دارد؛ پس زراعت کنید، زیرا زراعت مایه برکت است، و در آن از ابزار شخم زیاد استفاده کنید.<sup>۲</sup>

هرچند دامپروری مورد علاقه قریشیان بود، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با توجه به شرایط منطقه مدینه، ایشان را به پرداختن به شغل دیگری که اهمیت و برکات بیشتری داشت، توصیه می‌کنند؛ هم‌چنان که امام علی علیه السلام در نامه به مالک اشتر می‌نویسند:

باید تلاش تو در آبادانی زمین، بیشتر از جمع‌آوری خراج باشد که خراج، جز با آبادانی فراهم نمی‌گردد، و آن کس که بخواهد خراج را بدون آبادانی مزارع به دست آورد، شهرها را خراب و بندگان خدا را نابود می‌کند و حکومتش جز اندکی دوام نیاورد.<sup>۳</sup>

یعنی به جای این که خراج گرفته شود، باید به کارهای مهم‌تری رسیدگی گردد تا زمینه کارهای دیگر فراهم گردد.

از جمله نیازهای اساسی، تولید احتیاجات و مواد مصرفی مردم است. تولید این مواد مصرفی از طریق کشاورزی می‌تواند دارای اثر بیشتری باشد، چراکه آب و خاک مهیاست و این خود انسان است که چگونه از آن‌ها بهره‌برداری کند؛ از این رو،

۱. نهج البلاغه، ص ۷۳۱.

۲. سیره اقتصادی امام علی علیه السلام، ج ۷، ص ۲۶۹.

۳. نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۴۱۳.

سرمایه‌گذاری روی بخش کشاورزی باید در اولویت قرار بگیرد. این امر نیز در روایات دیده می‌شود، آن‌جا که امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «ما فی الاعمال شیء احب الی الله من الزراعة»؛<sup>۱</sup> هیچ عملی نزد خدا، محبوب‌تر از زراعت نیست. با توجه به این حدیث و آثار فراوانی که کشاورزی دارد، می‌توان با حمایت از آن، بسیاری از نیازهای اساسی جامعه را برطرف کرد.

### ج) تولید ملی

در اجرای هرچه بهتر اقتصاد مقاومتی، حمایت از تولید، یعنی آنچه انسان با کار و تلاش به دست بیاورد و در این امر از دست‌رنج دیگری استفاده نکند، اهمیت بسزایی دارد، چراکه این کار موجب ایجاد کار و تولید بیشتر و انگیزه تولیدکنندگان در کشور خواهد شد. در ادامه، به ذکر چند نمونه از آیات و روایات می‌پردازیم.

استفاده از تولید دیگران، موجب می‌شود دیگران بر ما سلطه پیدا کنند. خداوند در آیه ۱۴۱ سوره نساء می‌فرماید: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا». از این آیه می‌توان برداشت کرد که هیچ‌گاه خدا راهی برای کافران قرار نداده تا بر مؤمنان سلطه پیدا کنند، و هرگونه ارتباطی با کافران که موجب شود آن‌ها بر ما تسلط پیدا کنند، جایز نیست؛ در غیر این صورت، محتاج آن‌ها شده و به کشوری مصرف‌کننده تبدیل خواهیم شد و کشوری که مصرف‌کننده باشد، بیکاری در آن رواج پیدا خواهد کرد و زمینه‌های رشد و شکوفایی در آن از بین خواهد رفت. خداوند متعال در آیه ۱۳۱ سوره طه نیز به پیامبر دستور می‌دهد:

﴿وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ﴾؛

و هرگز چشمان خود را به نعمت‌های مادی، که به گروه‌هایی از آنان داده‌ایم، میفکن!

امام صادق علیه‌السلام نیز می‌فرماید:

مَنْ أَكَلَ مِنْ كَدِّهِ يَكُونُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي عِدَادِ الْأَنْبِيَاءِ وَيَأْخُذُ ثَوَابَ الْأَنْبِيَاءِ؛<sup>۲</sup>

کسی که از دست‌رنج خویش بخورد، روز قیامت در شمار انبیاست و ثواب انبیا را دریافت می‌کند.

۱. جهاد اقتصادی، ص ۱۶۳.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۴.

هم‌چنین امام علی علیه‌السلام در تفسیر آیه: «وَأَنَّهُ هُوَ أَغْنَىٰ وَأَقْنَىٰ»<sup>۱</sup> می‌فرمایند: «خداوند هر انسانی را با معیشتش بی‌نیاز می‌کند و او را با دست‌رنج خودش راضی می‌سازد.»<sup>۲</sup> و امام صادق علیه‌السلام در جای دیگر می‌فرمایند: «نیاز جستن از مردم، سلبِ عزت و از بین رفتن شرم است.»<sup>۳</sup>

هدف آیات و روایات مذکور این است که در انسان‌ها، انگیزه‌هایی برای تولید و استفاده از دست‌رنج خودش به وجود آورند تا به دیگران احتیاج پیدا نکنند.

علاوه بر سخنان معصومان علیهم‌السلام، عمل آن‌ها نیز به ما می‌آموزد که انسان باید از تولید خود بهره‌بردار؛ همان‌گونه که امام علی علیه‌السلام هزار بنده را از دست‌رنج خودشان آزاد کردند.<sup>۴</sup>

و در روایتی از امام صادق علیه‌السلام آمده است:

فإني أشتهي أن يراني الله عزوجل أعمل بيدي وأطلب الحلال في أدي نفسي؛<sup>۵</sup>  
دوست دارم خداوند مرا در حالی ببیند که با دستان خودم کار می‌کنم و با زحمت خود،  
در پی کسب حلال هستم.

امام صادق علیه‌السلام با این عمل، این نکته را به ما تذکر می‌دهند که هرچند دیگرانی هستند که برای ایشان کارکنند، آنچه تولید خود انسان باشد، ارزش افزون‌تری دارد. در واقع، ایشان از این طریق عمل خود را سرمشق دیگران قرار داده‌اند.

در حدیث دیگری، امام کاظم علیه‌السلام ضمن اشاره به این که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، امیرالمؤمنین علیه‌السلام و اجداد ایشان با دستان خودشان کار می‌کردند، می‌فرمایند: «این کار، عمل پیامبران، رسولان، اوصیا و صالحان است.»<sup>۶</sup>

#### د) کار و تلاش

اسلام، بر «کار» تأکید فراوانی دارد. به بیان آیت‌الله جوادی‌آملی، آدمی جوهره وجودی خود را با سعی و تلاش می‌نماید و ارزش حقیقی خود را با کار تعیین

۱. نجم، ۴۸.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۴۰.

۳. اصول کافی، ج ۳، ص ۳۳۵.

۴. مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۲.

۵. من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۹۹.

۶. همان، ج ۳، ص ۹۸.



می‌کند.<sup>۱</sup> امام حسن علیه السلام در این باره می‌فرماید: «برای دنیای خود چنان کارکن که گویی همیشه زنده خواهی ماند.»<sup>۲</sup>

تجارت، کار و تلاش در راه معیشت موجب می‌شود از آنچه در دست مردم است، بی‌نیاز گردیم؛ چنان که امام علی علیه السلام فرمودند:

تعرضوا للتجارة فإن في ها غني لكم عما في أيدي الناس<sup>۳</sup>؛  
به تجارت روی آورید، زیرا در آن از آنچه در دست مردم است، بی‌نیاز می‌شوید.

تشویق به تجارت نیز در احادیث، به وفور دیده می‌شود؛ برای مثال، پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمودند:

الرزق عشرة اجزاء: تسعة أجزاء في التجارة و واحد في غيرها<sup>۴</sup>؛  
رزق و روزی، ده قسمت است که نه جزء آن در تجارت، و یک جزء دیگر در غیر تجارت است.

بر اساس روایات، کسی که در طلب روزی خانواده‌اش تلاش کند، مانند کسی است که در راه خدا جهاد کرده باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در این باره فرمودند: «و من سعی فی نفقة عیاله و والديه فهو كالمجاهد»<sup>۵</sup>. هم‌چنین از امام کاظم علیه السلام روایت شده است:

من طلب هذا الرزق من حله ليعود به على نفسه و عياله كالمجاهد في سبيل الله<sup>۶</sup>؛  
هر کس در طلب روزی حلال خود و عیالش بکوشد، مثل جنگ‌جویی است که در راه خداوند متعال جهاد کند.

در حدیثی دیگری از امام رضا علیه السلام نقل شده است:

إن الذي يطلب من فضل يكف به عياله، أعظم أجراً من المجاهد في سبيل الله<sup>۷</sup>؛  
کسی که از فضل خدا برای آسایش خانواده‌اش طلب کند، اجری بیشتر از مجاهد در راه خدا دارد.

۱. اسلام و محیط زیست، ص ۲۳۴.

۲. الحیة، ج ۳، ص ۷۹.

۳. الکافی، ج ۱۰، ص ۱۲.

۴. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۱۲.

۵. مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۵۵.

۶. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۲۱.

۷. همان، ص ۶۷.

و در مقابل، بر اساس روایات، دعای کسی که در خانه خودش نشسته و به دنبال رزق نمی‌رود، برآورده نمی‌شود.<sup>۱</sup> بنا بر آنچه ذکر شد، می‌توان تولیدی را رقم زد که هرگونه وابستگی به غیر را از بین ببرد و زمینه‌های شکوفایی تولید ملی را به وجود آورد.

## ۲. توزیع

وقتی که اقداماتی در جهت تولید صورت گرفت و نتیجه زحمت‌ها به بار نشست، نوبت به توزیع آن می‌رسد که آن هم طبق آیات و روایات، باید بر مبنای قانون اسلامی شکل بگیرد، تا مبادا عده‌ای از این امکانات و تولیدات سوءاستفاده کنند و عده‌ای هم بی‌بهره شوند. در ادامه، به مباحثی در این باره می‌پردازیم.

### الف) توزیع صحیح کالا و خدمات

توزیع صحیح کالا و خدمات موجب می‌شود، هرکس به حق خویش قانع باشد و در صدد دست‌یابی نامشروع به اموال دیگران بر نیاید؛ در نتیجه، فقر و بزه‌کاری کمتر در جامعه دیده می‌شود.

از آیات و روایات برداشت می‌شود که همه انسان‌ها در برخورداری از نعمت‌های خداوند، حقوق یکسانی دارند و خداوند این جهان را برای همه خلق کرده است و همه می‌توانند از نعمت‌های آن استفاده کنند و کسی حق ظلم و ستم به دیگری را ندارد؛ آن چنان که برخی معتقدند، مشکل اساسی اقتصاد از منظر اسلام، به خود انسان و ظلم او برمی‌گردد؛ بدین معنا که ظلم او در عرصه اقتصادی به شکل توزیع نابرابر ثروت و نیز مبادلات ناسالم، نمود پیدا می‌کند.<sup>۲</sup>

خداوند در آیه ۷ سوره حشر، نحوه تقسیم ثروت به دست آمده را مشخص می‌کند تا زمینه بی‌عدالتی در جامعه فراهم نشود و هرکس به حق خود برسد، تا مبادا گروهی اضافه بر حق خود یا بدون حق بتوانند به ثروت دست‌اندازی کنند. هم‌چنین خداوند در آیه ۹۰ سوره نحل به عدالت امر می‌کند: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ». در ماجرای درخواست عقیل از برادرش امام علی علیه‌السلام نیز آمده است که او خواست تا امام از بیت‌المال، اضافه بر حق

۱. تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۳۷۱.

۲. جهاد اقتصادی و بسترهای تحقق آن، ص ۱۲۰.

خودش به او بدهند، اما امام از این کار خودداری می‌کنند.<sup>۱</sup>

### ب) مبارزه با مفساد اقتصادی

از جمله عوامل اصلی شکاف طبقاتی در جامعه، فاصله طبقاتی از حیث اقتصادی است. آیت‌الله جوادی‌آملی معتقد است:

فاصله طبقاتی، امری طبیعی است، زیرا برخی تمام همت خویش را در امر دنیای خود به کار گرفته و در مقام آبادانی‌اند. این گروه هرگز به فکر قشر محروم و ضعیف جامعه نیستند و انفاق، صدقه و کمک به محرومان در برنامه حیاتی آن‌ها نیست، زیرا به حیات اخروی اعتقادی نداشته یا در عقیده خود تزلزل دارند.<sup>۲</sup>

در قرآن کریم، اجرای عدالت از اهداف انبیا شمرده شده است: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولًا أَنْ اْعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ»<sup>۳</sup>؛ «أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»<sup>۴</sup>. گسترش عدالت در بین مردم، زمینه جلب اعتماد آنان را فراهم می‌کند؛ در نتیجه، اگر دولت بخواهد اقداماتی، از جمله اقدامات اقتصادی همچون هدف‌مندی یارانه‌ها را در جامعه اجرا کند، مردم همکاری بیشتری از خود نشان می‌دهند.

امام علی علیه‌السلام به مالک اشتر می‌فرماید: «در صورت اجرای عدالت در بین مردم، اگر در آینده کاری پیش آید و به عهده‌شان بگذاری، با شادمانی خواهند پذیرفت»<sup>۵</sup>. خداوند متعال در آیات دیگری می‌فرماید:

«وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَهُمْ سُوءُ الدَّارِ»<sup>۶</sup>؛  
و آن افرادی که عهد خدا را پس از محکم‌کردنش می‌شکنند و آنچه را خدا به پیوند آن دستور داده قطع می‌کنند و در زمین فتنه و آشوب می‌نمایند، لعنت و بدی سرای آخرت بر آنان باد!

۱. نهج‌البلاغه، خطبه ۲۲۴، ص ۳۲۷.

۲. جامعه در قرآن، ص ۱۳۲.

۳. نحل، ۳۶.

۴. حدید، ۲۵.

۵. نهج‌البلاغه، نامه ۵۳، ص ۴۱۳.

۶. رعد، ۲۵.

خداوند هم چنین می فرماید:

«إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُنَطَّقَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِّنْ خَلْفًا وَ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ هُمَّ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَ هُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ»<sup>۱</sup>؛

حتماً کیفر آن افرادی که با خدا و رسول ستیزه می نمایند و می کوشند که در زمین فساد به پاکنند این است که به دار آویخته شوند، یا این که دست و پای آنان برخلاف یکدیگر قطع شوند و یا این که از آن زمین به مکان دیگری تبعید گردند. این نوع کیفر از برای آنان در دنیا رسوایی و در آخرت، عذابی بزرگ خواهد بود.

خداوند درباره زمانی که فساد از حد بگذرد، می فرماید: «وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَّفَسَدَتِ الْأَرْضُ»<sup>۲</sup> و اگر خداوند، بعضی از مردم را بوسیله بعضی دیگر دفع نمی کرد، و زمین را فساد فرا می گرفت.

در آیه دیگر می فرماید:

«وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ هَدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَ مَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا»<sup>۳</sup>؛

اگر خدا بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نمی کرد، قطعاً صومعه ها و کلیساهای مسیحیان، کنیسه های یهودیان و مسجدهایی که نام خدا فراوان در آن ها ذکر می شود، خراب می شدند!

امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: «اهل اسلام، فرزندان اسلامند، و من آنان را در جیره و حقوق، با یکدیگر مساوی قرار می دهم»<sup>۴</sup> و امام علی علیه السلام می فرماید: «العدل حیاة الأحكام»<sup>۵</sup>؛ احکام (دین) به عدالت زنده است؛ یعنی اگر عدالت نباشد، نمی توان احکام اسلام را در جامعه اجرا کرد.

برای جلوگیری از انحراف افراد به صورت ثروت اندوزی های بی حساب و ایجاد انحصارها و قطب های اقتصادی، در نظام اقتصادی اسلام، محدودیت هایی پیش بینی شده است که

۱. مائده، ۳۳.

۲. بقره، ۲۵۱.

۳. حج، ۴۰.

۴. الحیاة، ج ۵، ص ۲۶۳.

۵. همان، ص ۲۵۰.

دایرهٔ این بخش را محدود می‌کند؛ از جملهٔ این محدودیت‌ها عبارتند از: ۱. وضع مالیات‌هایی مانند خمس، زکات و خراج؛ و ۲. برابری افراد در استفاده از منابع طبیعی. بدین وسیله، جلوی تفاوت‌های ناروا گرفته شده است.<sup>۱</sup>

امام علی علیه‌السلام به فرماندار خود اشعث بن قیس می‌نویسد:

همانا پست فرمانداری برای تو وسیلهٔ آب و نان نبوده، بلکه امانتی در گردن توست. در دست تو اموالی از ثروت‌های خدای بزرگ و عزیز است و تو خزانه‌دار آنی تا به من بسپاری.<sup>۲</sup>

به زیاد بن ابیه نیز چنین می‌فرمایند:

اگر به من گزارش کنند که در اموال عمومی خیانت کردی، کم یا زیاد، چنان بر تو سخت گیرم که کم بهره شده، و در هزینهٔ عیال، درمانده، خوار و سرگردان شوی.<sup>۳</sup>

هم چنین در خطبهٔ ۱۵ *نهج‌البلاغه* چنین آمده است:

به خدا سوگند، بیت‌المال تاراج شده را هر کجا بیابم، به صاحبان اصلی آن بازمی‌گردانم، گرچه با آن ازدواج کرده، یا کنیزانی خریده باشند، زیرا در عدالت گشایش برای عموم است، و آن کس که عدالت بر او گران آید، تحمل ستم برای او سخت‌تر است.<sup>۴</sup>

توجه به مبحث توزیع، مستلزم نگاهی همه‌گراست؛ بدین گونه که در شرایط یک‌سان، همه از حقوق مساوی برخوردار باشند، مگر این که در مواقع ضروری و آن هم بر اساس شایستگی‌های فرد، کسی را بر دیگری ترجیح دهیم.

### ج) احیای دستورات اقتصادی اسلام

در گزاره‌های دینی، دستوراتی اقتصادی بیان شده که احیای صحیح آن‌ها، ما را به داشتن جامعه‌ای قرآنی و منهای فقر رهنمون می‌شوند:

۱. «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ»<sup>۵</sup>؛ همانا صدقات، به فقرا و مساکین

۱. درآمدی بر اقتصاد اسلامی، ص ۲۶۸-۲۷۱.

۲. *نهج‌البلاغه*، نامهٔ ۵، ص ۳۴۵.

۳. همان، نامهٔ ۲۰، ص ۳۵۷.

۴. همان، ص ۳۹.

۵. توبه، ۶۰.

اختصاص دارد.

۲. «قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَ الْأَقْرَبِينَ وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ»<sup>۱</sup>؛ بگو آن چه از مال خود انفاق می کنید، برای پدر و مادر و خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و رهگذران باشد.

۳. «وَ آتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَ الْمَسْكِينِ وَ ابْنَ السَّبِيلِ»<sup>۲</sup>؛ حق خویشاوند، فقیر و درمانده را بده و مال را به اسراف خرج مکن.

۴. «وَ اعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ»<sup>۳</sup>؛ بدانید هر نوع غنیمتی نصیب شما می شود، یک پنجم آن، از آن خدا و رسول و خویشان رسول و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان است.

خداوند، جهت نزول برکات برای فرد و جامعه نیز دستوراتی صادر می کند؛ از جمله:  
 ۱. «وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ»<sup>۴</sup>؛ و اگر اهل شهرها و آبادی ها، ایمان می آوردند و تقوا پیشه می کردند، برکات آسمان و زمین را بر آن ها می گشودیم.

۲. «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ»<sup>۵</sup>؛ مثل آنان که مال خود را در راه خدا انفاق می کنند، مثل دانه ای است که هفت خوشه برآورد و در هر خوشه ای صد دانه باشد.

۳. «وَ أَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ»<sup>۶</sup>؛ در راه خدا انفاق کنید و خویشتان را به دست خویش به هلاکت میندازید.

۴. «وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ»<sup>۷</sup>؛ و آنچه در راه خدا هزینه می کنید، به تمامی به شما بازگردانده شود.

۵. «وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَا نَنْفِسْكُمْ»<sup>۸</sup>؛ و آنچه را از خوبی ها و اموال انفاق می کنید، برای

۱. بقره، ۲۱۵.

۲. اسراء، ۲۶.

۳. انفال، ۴۱.

۴. اعراف، ۹۶.

۵. بقره، ۲۶۱.

۶. بقره، ۱۹۵.

۷. انفال، ۶۰.

۸. بقره، ۲۷۲.

خودتان است.

۶. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ!»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از دست‌آورده‌های نیکوی خویش و از آنچه برایتان از زمین رویانیده‌ایم، انفاق کنید.

۷. «وَأَنْفِقُوا مِنْ مَا رَزَقْنَاكُمْ»؛<sup>۲</sup> از آنچه روزی‌تان داده‌ایم، در راه خدا انفاق کنید.

در این باره، به روایاتی نیز اشاره می‌شود:

– امام رضا علیه‌السلام دربارهٔ سرزکات فرمودند:

زکات برای این وضع شد تا قوت و روزی فقرا بوده و مال اغنیا را زیاد کند.<sup>۳</sup>

– امام علی علیه‌السلام فرمودند:

آن کس که با دست کوتاه ببخشد، از دستی بلند پاداش گیرد.<sup>۴</sup>

– امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

خداوند چیزی را دشوارتر از زکات بر این امت واجب نکرد، و تودهٔ آنان هلاک نمی‌شوند مگر به خاطر زکات.<sup>۵</sup>

– رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند:

آن که زکات نمی‌دهد، دل و رودهٔ شکمش را به سوی دوزخ می‌کشد و مالش برای او به صورت ماری طاس‌کننده که ریشی بزی یا ابرویی سیاه دارد، مجسم می‌شود. انسان از او می‌گریزد و او دنبالش می‌کند تا او را بخورد و می‌گوید: من همان مالی هستم که تو آن را دریغ می‌کردی!<sup>۶</sup>

بنا بر این فرامین الهی، دولت باید زمینه‌های اجرایی شدن این شعائر اسلامی را در جامعه فراهم آورده و حمایت‌های لازم از بخش‌های گوناگون جهت قوت بخشیدن به این امور را – که زمینهٔ رشد معنوی و مادی جامعه را در پی دارد – فراهم آورد.

۱. بقره، ۲۶۷.

۲. منافقون، ۱۰.

۳. علل الشرائع، ج ۲، ص ۱۹۵.

۴. نهج البلاغه، حکمت ۲۳۲، ص ۴۸۳.

۵. امالی (طوسی)، ج ۲، ص ۷۰۱.

۶. همان، ص ۳۰۳.

### ۳. مصرف

مصرف را می‌توان از جهتی، نقطه شروع اجرای اقتصاد مقاومتی دانست؛ از این رو، سیاست‌گذاری اصلاح‌الگوی مصرف را می‌توان از مهم‌ترین موضوعات اقتصاد مقاومتی برشمرد. با توجه به این مهم، باید با دستورات قرآنی و روایی آشنا شد تا بتوان زمینه اجرایی شدن آن را فراهم آورد.

#### الف) اصلاح‌الگوی مصرف

از آن‌جا که منابع موجود در زمین، به همه نسل‌ها و حتی آیندگان تعلق دارد، اصلاح‌الگوی مصرف، اهمیت بیشتری پیدا نمی‌کند؛ آن‌گونه که برخی معتقدند، سیاست اقتصادی حضرت یوسف علیه‌السلام در مصر نشان داد که اقتصاد اصیل و پویا نمی‌تواند همیشه ناظر به زمان حال باشد، بلکه آینده و حتی نسل‌های بعد را نیز در بر می‌گیرد و این نهایت خودخواهی است که انسان تنها به فکر منافع کنونی زمان خود باشد و همه منابع موجود در زمین را غارت کرده و مصرف کند و به هیچ وجه، به فکر آیندگان نباشد که آن‌ها چگونه زندگی خواهند کرد؟!<sup>۱</sup>

از دین اسلام برمی‌آید که انسان در همه جوانب زندگی خود باید حد اعتدال را رعایت کند، تا موجب آسیب رساندن به خود و دیگران نشود؛ البته این مضامین الهی در زمینه مصرف دارای تأکید بیشتری هستند، چراکه هرچه مصرف انسان بیشتر باشد، باید تلاش او در به دست آوردن احتیاجات خود و خانواده‌اش بیشتر باشد؛ و اگر نتواند این احتیاجات را فراهم کند، در زندگی با مشکلات فراوانی روبه‌رو خواهد شد و آسایش خود و دیگران را به هم خواهد ریخت؛ و بدیهی است که هرچه آسایش خانواده‌ها کمتر باشد، اجتماع با مشکلات اساسی دیگری روبه‌رو خواهد بود.

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

«لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»<sup>۲</sup>

خدا در این آیه، اسراف را مورد نهی قرار داده و فرموده است که اسراف‌کنندگان را دوست ندارد؛ و وقتی خدا کسی را دوست نداشته باشد، نعمت او را افزایش

۱. جهاد اقتصادی، ص ۱۶۴.

۲. انعام، ۱۴۱.



نمی‌دهد. آیات دیگری نیز وجود دارد که بر حرام بودن اسراف، تأکید می‌کنند؛ مانند: «أَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ»؛<sup>۱</sup> «إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ»؛<sup>۲</sup> «وَأَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ».<sup>۳</sup>

هم‌چنین در روایات آمده است:

مردی به امام صادق علیه‌السلام عرض کرد: به گوشم رسیده که صرفه‌جویی و میانه‌روی در زندگی، نیمی از درآمد است. امام صادق علیه‌السلام پاسخ دادند: «نه، بلکه تمام درآمد همین بوده و صرفه‌جویی در زندگی بخشی از دین است».<sup>۴</sup>

بنا بر آیات و روایات، اسراف علاوه بر این که مقبول خداوند نیست و اسراف‌کار در کنار شیطان خواهد بود، موجب بی‌بهره شدن دیگران از نعمت‌های خداوند خواهد شد، چراکه در هر جامعه‌ای، قشری آسیب‌پذیر هستند که اصلاح الگوی مصرف ما می‌تواند آنان را به زندگی حداقلی برساند؛ آن‌چنان که برخی می‌گویند: «نگاهی ساده به اسراف‌کاری‌های عده‌ای مترف و خوش‌گذران، نشان می‌دهد با پرهیز از آن، می‌توان انسان‌های گرسنه و برهنه زیادی را سیر کرد و پوشاند و به جای ساختمان‌های متعدد و مجهز، چه بسیار بی‌خانه‌هایی را می‌توان خانه داد!»<sup>۵</sup>

افزون بر این، «تولید» و «مصرف» دو مقوله جدا از هم نیستند، بلکه به هم وابسته‌اند؛ لذا در صورتی می‌توانند مفید واقع شوند که وقتی تولید بیشتری صورت پذیرفت، برای مصرف آن نیز برنامه‌ریزی شود و کنترل صحیحی وجود داشته باشد؛ در مقابل، هرگاه کنترل مصرف صورت پذیرفت، باید تولید بیشتری مدنظر قرار گیرد تا کنترل مصرف، مفید واقع شود.

#### ب) قناعت

اگر فردی در زندگی، قناعت و چشم‌امید به خداوند داشته باشد، به هر آنچه دارد، راضی

۱. غافر، ۴۳.

۲. اسراء، ۲۹.

۳. انبیاء، ۹.

۴. اتفالی (طوسی)، ج ۲، ص ۶۴۵.

۵. درآمدی بر اقتصاد اسلامی، ص ۳۹۵.

است و از آنچه ندارد، غصه‌ای نخواهد خورد، چراکه چشم نیاز به سوی خالق خود دارد و از آنچه در دست دیگران است، چشم‌پوشی می‌کند؛ در غیر این صورت، فرد به چشم و هم‌چشمی دچار می‌شود و برای به دست آوردن آنچه در توانش نیست و قدرت خرید آن را ندارد، دست به هرکاری، حتی خلاف شرع می‌زند! و در نتیجه، آرامش روحی و جسمی خود و خانواده خود را از دست می‌دهد.

قناعت، موجب ایجاد ویژگی مثبتی در شخصیت انسان می‌شود که زمینه رضایت‌مندی و لذت‌یابی او را از حداقل‌های زندگی فراهم می‌کند و به صورت ترک زیاده‌خواهی تجلی می‌یابد. و به خوبی روشن است که آرامش روانی حاصل از قناعت در کنار اثرات عملی‌شان در عرصه مصرف، خود زمینه‌ساز رشد اقتصادی است.<sup>۱</sup>

در جوامع توسعه‌نیافته، میزان پس‌انداز درآمد خانواده کم است؛ بنابراین، اگر افراد به فکر کسب درآمد بالا باشند، با کاهش مصرف خود در پناه قناعت و رضایت به حداقل، می‌توانند برای آینده خود پس‌انداز مناسبی داشته باشند. وقتی افراد جامعه با روحیه قناعت زندگی کنند و نیز کار کردن را نوعی عبادت بشمارند، پس‌انداز مازاد بر مصرف را رقم می‌زنند. هنگامی که استفاده از مازاد درآمد در بخش تولید، عبادت به شمار می‌رود، مؤمن به یقین خواهد کوشید تا مازاد بر مصرف را در جهت تولید و اشتغال به کارگیرد؛ در نتیجه بیکاری کاهش، اشتغال افزایش و تولید فراوان خواهد بود.<sup>۲</sup> بنابراین، توجه به قناعت می‌تواند نقش مهمی در کم کردن از حواج غیرضروری ایفا کند.

### نتیجه‌گیری

۱. بهره‌گیری از مواهب طبیعی با توجه به منابع موجود در آن‌ها، زمینه‌های رشد اقتصادی را فراهم می‌آورد.
۲. در بین نیازهای جامعه، باید به نیازی پرداخت که اهمیت بالایی داشته باشد و دارای آثار بیشتری برای رشد اقتصادی جامعه باشد.
۳. تولید ملی سبب بی‌نیازی و رونق کسب و کار در جامعه می‌شود.
۴. کار و تلاش در جامعه، سبب تولید بیشتر و از بین رفتن بیکاری می‌شود.

۱. جهاد اقتصادی و بسترهای تحقق آن، ص ۱۲۰.

۲. زهد و قناعت، ج ۷، ص ۱۹۵.

۵. اصل مساوات در توزیع کالاها و خدمات، و مبارزه با مفاسد اقتصادی جهت رسیدن به اقتصاد مقاومتی، امری ضروری است.
۶. اجرایی کردن احکام اقتصادی دین، از جمله عوامل ایجاد توازن در بین افراد جامعه است.
۷. اصلاح الگوی مصرف و قناعت در زندگی، باعث رونق اقتصادی جامعه می شود.

## کتاب نامه

- قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی ناصر، قم، دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۳ ش.
- اسلام و محیط زیست، عبدالله جوادی آملی، قم، اسراء، ۱۳۸۸.
- اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، مترجم: صادق حسن زاده، قم، صلوات، ۱۳۸۳.
- اقالی، محمد بن حسن طوسی، ترجمه: صادق حسن زاده، قم، اندیشه هادی، ۱۳۸۸.
- بازار، محمدنقی نظریور، تهران: دانشنامه امام علی علیه السلام، ۱۳۸۰.
- تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تهران، دارالکتب السلامیه، ۱۳۸۴.
- تفسیر نورالثقلین، عبدعلی بن جمعه عروسی حویزی، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
- تفسیر هدایت، مدرسی، محمد تقی، ترجمه اتابکی پرویز، شعارجعفر، آرام احمد، آیتی، عبدالمحمد، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷.
- تهذیب الأحکام، محمد بن حسن طوسی، تهران، صدوق، ۱۴۱۸ق.
- جامعه در قرآن، عبدالله جوادی آملی، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۷.
- جهاد اقتصادی، سیدمرتضی حسینی اصفهانی، قم، انتشارات فرهنگ قرآن، هشتم، ۱۳۹۰.
- جهاد اقتصادی و بسترهای تحقق آن، احسن الله رادمهر، تهران، انتشارات پیام عدالت، ۱۳۹۰.
- الحیاة، محمد، علی و محمد رضا حکیمی، ترجمه: احمد آرام، قم، انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۶.
- درآمدی بر اقتصاد اسلامی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران، سمت، ۱۳۸۷.
- زهد و قناعت، مجید رضایی، تهران، دانشنامه امام علی علیه السلام، ۱۳۸۰.
- سیره اقتصادی امام علی علیه السلام، سیدرضا حسینی، تهران، دانشنامه امام علی علیه السلام، ۱۳۸۰.
- علل الشرائع، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، ترجمه: سیدمحمدجواد ذهنی تهرانی، قم، مؤمنین، ۱۳۸۲.
- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۸.
- مجموعه آثار، مرتضی مطهری، تهران، صدرا، ۱۳۸۵.
- مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، قم، آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۰۸ق.

- من لا يحضره الفقيه، محمد بن علي بن بابويه (شيخ صدوق)، نجف: دارالكتب الإسلامية، ۱۳۷۸.
- نهج البلاغه، محمد بن حسين شريف الرضى، ترجمه: محمودرضا افتخارزاده، تهران، روزگار، ۱۳۷۹.
- نهج البلاغه، محمد بن حسين شريف الرضى، ترجمه: محمد دشتي، قم، پیام مقدس، ۱۳۹۰.
- وسائل الشيعه، محمد بن حسن حر عاملی، قم، آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۱۶ق.